

صورت اشتباه تذکر می‌دهند: «اما در ایران به این شکل نیست. آنها قسمتی از وظایف دولت را انجام می‌دهند و این مسائلی که سازمان‌های مردم‌نهاد درباره آنها فعالیت می‌کنند، از سوی دولت نادیده گرفته شده است. نه‌تنها نادیده گرفته شده که حتی زمانی که سازمان‌های مردم‌نهاد به آنها ورود کردند هم به آنها به دیده شک و تردید نگاه می‌شود و اگر سنگ‌اندازی و پرونده‌سازی علیه آنها نشود، به آنها می‌گویند روشی که پیش گرفتند، اشتباه است.» به گفته او دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد را بخشی از خودش نمی‌داند و آنها را نادیده می‌گیرد: «در انتهای ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی اعلام‌شده که منظور، سازمان‌های مردم‌نهادی است که از سوی قوه قضائیه تایید شده باشند و این در حالی است که هیچ‌گاه لیستی از سازمان‌های موردتایید قوه‌قضائیه منتشر نشده که بتوانیم در مواردی مانند نازنین‌زهر ا از آنها بخواهیم که وارد شوند و مطالبه‌گری کنند. ظرفیت قانونی درحقیقت رها شده است و تازمانی که دیدگاه حاکمیت درباره سازمان‌های مردم‌نهاد تغییر نکند، گوش شنوایی وجود نخواهد داشت.»

او معتقد است، نمی‌توان نقش حاکمیت را در موضوعاتی مانند کودکان‌کار نادیده گرفت: «سازمان‌های مردم‌نهاد یک معضل را شناسایی و با استفاده از متخصصان آن را تحلیل می‌کنند و راهکار ارائه می‌دهند و درنهایت جامعه را دغدغه‌مند می‌کنند. اما درنهایت به حاکمیت متصل است و اگر قوانین در این حوزه‌ها وجود نداشته باشد، نمی‌توان مطالبه‌گری کرد. کل جامعه باید مطالبه‌گر باشد. اما ظرفیت قانون‌گذاری در اختیار سازمان‌های مردم‌نهاد و مردم نیست.» کاظمی در ادامه گفت: «تازمانی که مردم نوع زیست این افراد را درک نکنند و درگیر جزئیات زندگی آنها نشوند کارهای جامعه مدنی هم دیده نمی‌شود. مردم درکی از اینکه یک کودک تا ساعت ۱۲ مدرسه باشد، بعد به خیابان برود و گل بفروشد، ندارند؛ به‌همین دلیل کار سازمان‌های مردم‌نهاد دغدغه‌مندکردن جامعه است.» به گفته او راه ایجاد دغدغه‌مندی برای جامعه، ساده‌سازی مفاهیم است: «مفاهیم باید ساده‌سازی شود که هم حساسیت در جامعه ایجاد شود، هم حساسیت حاکمیت کم‌رنگ شود. متأسفانه همه موارد فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، امنیتی دیده می‌شود، درحالی‌که اگر نهاده‌ها و کارکردهای دولت درست باشد، می‌تواند بحران امنیتی را کنترل کند درصورتی‌که این مسئله، یک در هزار می‌تواند در سازمان‌های مردم‌نهاد رخ دهد.»

➤ کودکان کار در میانه اضطراب‌های مزمن

الیه شعبانی، روانشناس بالینی، دوران کودکی را مهم‌ترین دورانی دانست که یک انسان می‌تواند تجربه کند: «کودکان کار درحقیقت بنیان و بنای اصلی‌شان را از دست می‌دهند، چون کودکی را تجربه نمی‌کنند. آنها در معرض اضطراب مزمن قرار می‌گیرند و درنتیجه مسیر رشد عصبی و روانی آنها دچار اختلال می‌شود.» به گفته او کودکی که در معرض اضطراب‌های مزمن است، بسیاری اوقات علاوه بر اختلالات روانشناختی که با آن مواجه می‌شود، رشد عصبی و روانی‌اش هم کامل اتفاق نمی‌افتد: «درحقیقت ما نه‌تنها کودکی‌اش را از او دریغ می‌کنیم، بلکه آینده را هم از او می‌گیریم. آنها در بزرگسالی هم توان انتخاب ندارند، نقش موثری در زندگی‌شان ندارند.» نمی‌توانند برای خودشان تصمیم‌گیری کنند. درحقیقت رنجی که به کودک کار وارد می‌شود، دنباله‌دار و ماندگار است.» او تشخیص ناامن‌بودن خیابان را وظیفه کودک نمی‌داند: «امنیت در جامعه و خانواده ضروری‌ترین چیزی است که کودک برای رشد به آن نیاز دارد و کودکان کار از آن محروم‌اند. کودکان کار در مرحله بقا، تثبیت می‌شوند. در مرحله بقا، واکنش‌ها اولیه است؛ افراد یا می‌جنگند یا در همان جایی که هستند، ثابت می‌مانند و فریز می‌شوند یا اجتناب می‌کنند که به‌شکل اعتیاد خودش را در بسیاری

برای سنین بعد از ۱۸ سالگی دانست و گفت: «آسیب بزرگ بعد از ۱۸ سال رخ می‌دهد و بهزیستی گویی تکلیفی درباره آنها ندارد. در قانون اصلاح و تربیت ۹۰ درصد کودکان به‌دلیل فقر بزهکار شدند و بعد از ۱۸ سالگی هم همین افراد در بازتولید همین چرخه، خشم و خشونت و نفرت را تبدیل به بزه می‌کنند. ما گاهی خجالت می‌کشیم نام آنها را بزهکار بگذاریم؛ چون در حقیقت آنها معارض با قانون‌اند و به‌دلیل سختی‌هایی که در زندگی داشتند، دچار تعارض‌های ساختاری با جامعه شدند.» او نقش نهاده‌های مدنی را ترویجی و تعلیمی دانست: «جامعه مدنی ایران، کلنگی نیست و در روزهای سخت کنار مردم است. در ایران، سرانه کنشگری غیرعمومی بیش از دیگر کشورهاست. در بحث وقف، ما در جهان اول هستیم. اما سرانه کنش داوطلبانه پایین است؛ چون هم پریزبسک و هزینه است، هم شخصی‌محوریم و هم مشارکت‌پذیر نیستیم. اما این امری ترویجی است و باید تکثیر، تعلیم و ترویج شود.» بخش مهم کار جامعه مدنی، دیده‌بانی و مطالبه‌گری است: «بخش دیگر هم، عاملیت‌داشتن است. در بسیاری موارد جامعه مدنی می‌تواند عاملیت داشته باشد، هم براساس ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی، هم تبصره ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری، این عاملیت و اقتدار را به نهادهای مدنی می‌دهد که کنشگری و اقدام عملی و اجرایی داشته باشند. حداقل کار آنها، گزارشگری به مراجع عمومی و قضایی است. نهادهای مدنی نباید دست‌کم گرفته شوند، می‌توانند عاملیت داشته باشند و جامعه را نسبت به این موضوعات حساس کنند.» او با اشاره به قانون تشکیل‌های اجتماعی که در کمیسیون اجتماعی مجلس در حال بررسی است، گفت: «دولت باید آنها را به‌رسمیت بشناسد چون مستقل است و خیرخواهانه وارد این عرصه شده است. آنها کسانی هستند که در حوزه مسئولیت اجتماعی و خیر عمومی کمک می‌کنند و با تاجر اتاق بازرگانی فرق دارند. دولت نباید از انتقادهای جامعه مدنی ناراحت شود. اگر این انتقاده‌ها نباشد، کارویژه آنها درست انجام نمی‌شود.» نقره‌کار همین کوشش‌ها را عامل تغییر وضعیت ایران از پیشامدرن به مدرن دانست: «تغییرات در این وضعیت، فرسایشی و خسته‌کننده است اما در نگاه کلان تاریخی، همین کوشش‌ها وضعیت جامعه را تغییر داده است. کنشگری فعالانه، اثربخش، مشورت‌پذیر و تخصص‌گرا باید وجود داشته باشد و گفت‌وگو با سازمان‌ها و ارگان‌ها باید شکل بگیرد که جامعه مدنی با برخورد‌های شدید روبه‌رو نشود، مانند آنچه برای جمعیت امام علی اتفاق افتاد.»

➤ کودکانی که دیده نمی‌شوند

«کارکردن کودک زیر ۱۵ سال، در کارگاه‌های رسمی ممنوع است اما در بسیاری از مناطق تهران، کارگاه‌های غیررسمی وجود دارد.» این جمله را یاشار کاظمی، حقوقدان دیگر حاضر در نشست گفت. او معتقد است، قانون‌گذار به نقضی قانون در حوزه‌های متعددی ورود نمی‌کند: «به‌عنوان مثال زمانی که کودک از سوی پدر و مادر سر کار فرستاده می‌شود، قانون‌گذار به این مسئله ورود نمی‌کند. درحالی‌که ذات کار کودک مخاطره‌آمیز است و به درک او از کودکی ضربه می‌زند. کودکان در محیط‌های مخاطره‌آمیز مختلف کار می‌کنند و چون کارفرمایی ندارند، تنها کاری که می‌توان انجام داد این است که کودکان از سوی جامعه و مسئولان دیده شوند. آنها درحال حاضر دیده نمی‌شوند و زمانی‌که اتفاقی برایشان می‌افتد به‌عنوان مثال در فضای مجازی کاملاً نادیده گرفته می‌شود. درحالی‌که اگر برای فرزند فردی که منصبی دارد چنین اتفاقی بیفتد، از سوی جامعه نادیده گرفته نمی‌شود.»

او بر این باور است که باید این تعارض در جامعه حل شود: «در این صورت است که قانون‌گذار درباره مرگ این کودکان نمی‌گوید، چه‌کار دارید که می‌خواهید تحقیق کنید، درنهایت که قرار است خانواده‌اش دیه‌اش را بگیرد و برود. مشکل این‌چپه‌ها، دیده‌نشدن است. آنها باید دیده‌شوند که بتوان تغییری در شرایط کودکان کار ایجاد کرد.» به گفته او، کلانتری موظف است، پس از تصادف‌های منجر به فوت، پرونده را به دادسرا بفرستد: «این پرونده در دادسرا ثبت و مقام قضایی روی آن دستور می‌دهد. در این پرونده یا این اتفاقات نیفتاده یا افتاده و شما در جریان نیستید. اورژانس وقتی شخصی را به بیمارستان می‌برد، مشخص است از کجا او را به بیمارستان منتقل کرده و درنتیجه محل حادثه کاملاً مشخص است، اما اینکه چرا دادسرا در این پرونده ورود نکرده، جای سوال دارد.» او درباره تامین هزینه پرداخت دیه در موارد این‌چینی گفت: «صندوق تامین خسارت‌های جانی، از طریق دولت تامین نمی‌شود. درصدی از بیمه شخص ثالث همه ماشین‌ها، در این صندوق واریز می‌شود و ربطی به دولت ندارد. اگر تصادفی رخ داد و ماشین بیمه نبود یا راننده متواری شد و اتفاقات مشابه رخ داد که بیمه پوشش نمی‌داد، باقیی دیه از صندوقی که افراد جامعه در آن مشارکت کردند، پرداخت می‌شود.»

سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بازوی همیاری دولت در بخشی از کشورها شناخته می‌شوند و به دولت‌ها در

خبرسازان



تحریم‌ها و زنان

زهر ا بهروزآر، معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده در دیدار باسفر جدیدسوتیس در ایران با انتقاد از تصویر نادرست ارائه‌شده از زنان ایرانی در بعضی رسانه‌های بین‌المللی گفت: «ننان ایرانی امروز در حوزه‌هایی چون پزشکی، آموزش، شرکت‌های دانش‌بنیان، صنایع فضایی و فناوری‌های نوین، حضوری پیشرو دارند، اما این واقعیت‌ها به‌درستی بازنمایی نمی‌شود و خود نوعی خشونت غیرمستقیم علیه زنان به‌شمار می‌رود.» به گزارش مهر، معاون رئیس جمهور گفت: «تحریم‌ها فرصت‌های بسیاری را از زنان ما گرفته است؛ زنانی که می‌توانستند در عرصه‌های مختلف اقتصادی و بین‌المللی حضور پررنگ‌تری داشته‌باشند ومحصولات خود را به جهان عرضه کنند.»

واگذاری ۳۷۳ فرزندخوانده

فاطمه محمدی‌سرشت، کارشناس مسئول فرزندخواندگی بهزیستی استان تهران، از واگذاری ۳۷۳ کودک بی‌سرپرست و بدسرپرست به خانواده‌ها از ابتدای سال جاری خبر داد. به گزارش مهر، کارشناس مسئول فرزندخواندگی بهزیستی استان تهران در جمع خبرنگاران، با تشریح فرآیند پذیرش و واگذاری کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست گفت: «پس از بررسی اولیه، کارشناسان شهرستان با متقاضیان تماس گرفته و زمان مصاحبه تعیین می‌کنند. در صورت احراز شرایط، خانواده‌ها موظف به طی مراحل تکمیلی از جمله مشاوره تخصصی فرزندخواندگی، بازدید از منزل، معاینات پزشکی قانونی (سلامت جسمی، روانی و عدم اعتیاد) و اس‌تعلام‌های هویتی و سابقه‌ای هستند. درنهایت پرونده در کمیته فرزندخواندگی مطرح و درباره تایید یا رد خانواده تصمیم‌گیری می‌شود.»

ادامه سر مقاله

اعتراض اجتماعی و شرکت در یک آیین مذهبی، فارغ از ارزش‌گذاری‌ها، دو کنش با ماهیت کاملاً متفاوت‌اند. یکی کنشی پرهزینه، پریزسک و مقابله شده است و دیگری کنشی کم‌هزینه، تشویق‌شده و مورد حمایت رسمی. مقایسه عددی این‌ دو، بدون توجه به تفاوت هزینه‌ها و شرایط مشارکت در آنها، نه تحلیل اجتماعی است و نه حتی استدلال سیاسی اقناع‌کننده. این همان مغالطه‌ای است که با اعداد بازی می‌کند تا واقعیت را پنهان سازد. افزون بر این، دوگانگی «معنویت یا دل‌های ناپاک و موساد» چیزی جز امنیتی‌سازی اعتراضات نیست. در این نگاه اعتراض از یک مسئله اجتماعی و اقتصادی به توطئه‌ای بیرونی تقلیل داده می‌شود و عاملیت داخلی به کلی ای‌کی گردد و این روایتی اغواگرانه است. در چنین روایتی دیگر نیازی به پرسش از سیاست‌های ناکارآمد، بحران اعتماد عمومی یا تابشت نارضایتی‌ها و گرانی و تحریم و جنگ و فساد نیست؛ همه چیز به خیانت دشمنان حواله داده می‌شود. مسئله مهم‌تر اما در سطحی کلی‌تر قرار دارد. هرگاه مسئله‌ای سیاسی بروز می‌کند، موتور توجیه‌گری برخی افراد و گروه‌ها باافاصله روشن می‌شود؛ تلاشی سازمان‌یافته برای آرام کردن خود و دیگران با این پیام که «چیزی نشده»، «نگران نباشید» و «اگر بخواهیم فوراً جمع می‌شوند». این شیوه، نه نشانه اقتدار، بلکه علامت ضعف از طریق انکار مسئله است. واقعیت آن است که جامعه هم‌زمان می‌تواند هم دیندار باشد و هم معترض، همچنان که پیش از انقلاب هم این گونه بود. هنر سیاست و رسانه، فهم این واقعیت پیچیده است، نه انکار یکی به نفع دیگری. تا زمانی که به جای فهم هر گونه اعتراض سیاسی و اجتماعی، با آمارسازی و نیز قیاس‌های بی‌ربط و روایت‌های امنیتی پاسخ داده شود، مسئله نه‌تنها حل نخواهد شد، بلکه عمیق‌تر و پرهزینه‌تر باز خواهد گشت.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۷ شماره موتور ۱۴۲۶۳۰۰۵۶۱ شماره شاسی ۷۷۴۷۲۱۱۳ شماره پلاک ۱۴ ایران ۲۹۲ د ۳۶ به نام خیر اله پناهیان لرکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

موارد نشان می‌دهد.» در خانواده‌های کودکان کار، فرد یا افرادی که باید مراقب کودک باشند، خودشان موضوع کودک برای مراقبت می‌شوند و این، یکی از بدترین تروماهایی است که کودک می‌تواند تجربه کند: «مراقبت‌کننده‌های کودکان کار، خودشان نیاز به مراقبت دارند و این کودکان مادر پدر یا مادر مادران‌شان می‌شوند و این همان چیزی است که نازنین‌زهر ا تجربه کرده است.» او در ادامه، آمارشدن افراد را از بین‌بردن هویت و قصه‌های فردی آنها دانست و گفت: «مرگ یک‌نفر، ترازدی و مرگ هزارنفر، آمار است. اگر ما درباره خطرات و آمارهای کار کودک حرف می‌زدیم - در شرایطی که سطح رنج در جامعه بالا رفته - آن را انکار می‌کردند. اما زمانی‌که از یک کودک به‌نام نازنین‌زهر ا حرف می‌زنیم و روایت او را می‌گوییم، دیگر نمی‌توان راحت از کنارش گذشت؛ چون تصویری واقعی ارائه شده است. او نمادی از همه کودکانی است که حتی پدر و مادر هم به‌دنبال این نیستند که چه کسی آنها را کشته است.» به گفته او، جامعه از کنار آمار، عبور می‌کند اما از کنار قصه آدم‌ها، نمی‌تواند به‌راحتی عبور کند و این اثرگذار است: «کار نهادهای مدنی این است که قصه این کودکان، میان آمارها گم نشود. نهادهای مدنی می‌خواهند جای خانواده را پر کنند و این انعکاس خلأهای موجود است.»

شعبانی با انتقاد از اینکه سازوکار قانونی برای متولی‌بودن نهادهای مدنی وجود ندارد و نمی‌گذارند نقش موثر داشته باشند، گفت: «اما مددکاران می‌توانند جایگاه حقوقی و حمایتی داشته باشند و باید روی این نقش تاکید کرد. نقش آنها به‌رفع نیازهای اولیه اقتصادی تقلیل پیدا کرده درحالی‌که آنها نقش عمیقی دارند و می‌توانند اثربخشی زیادی داشته باشند. اما باید این مسئله مطالبه شود و انجمن مددکاری پیگیر این مسئله باشد که مددکاران بتوانند از نظر حقوقی پاسخگوی این مسائل باشند.» او در ادامه به «کرختی» جامعه در مواجهه با کودکان کار اشاره کرد: «کرختی موجود در جامعه، نیازمند تلنگر است و به‌دلیل زیادشدن رنج در سطح ناخودآگاه جامعه، اتفاق افتاده است. ایجاد حساسیت باید از سوی نهادهای مدنی انجام شود. پرسشگری حتی اگر سوال اشتباه باشد، باید ایجاد شود.»

معین کامرانی، مدیرعامل انجمن روشنگران فردای کودک (ارفک) هم درباره خانواده نازنین‌زهر ا گفت: «پدر و مادر او پنج فرزند دارند که نازنین‌زهر ا بزرگ‌ترین آنها بود. او و یکی دیگر از فرزندان همراه پدرشان، سر کار می‌رفتند و بعد از مرگ او، پدرش تنها پیگیری‌ای که از من می‌کند، درباره نامه پرداخت دیه است.» سه فرزند این خانواده در ارفک تحصیل می‌کنند: «او درباره کودکان دیگرش، هیچ سوالی از من نمی‌پرسد.» در کلانتری به او گفتند، پرونده را برای پرداخت دیه فرستادند و دیگر برای پیگیری حقوقی آنجا نرود: «ما باید به جامعه این تصویر شفاف را بدهیم که کودکان کار از اولین‌ها - که خانواده، پدر و مادر است - محروم‌اند. آنها انتخاب نکردند در چنین شرایطی زیست کنند و در آن خانواده به دنیا بیایند.» او معتقد است، جامعه نمی‌تواند بی‌تفاوت از این آسیب اجتماعی گذر کند: «این کودکان بزرگ می‌شوند، به قید قرعه گریبان یکی از ما را انتخاب می‌کنند و همه تجارب شیرین کودکی که از آنها دریغ شده را یک‌جا از یکی از شهروندانی که احتمالاً از طبقه سرمایه‌دار است، پس می‌گیرند.» او در ادامه از عملکردها و سازمان‌های دولتی انتقاد کرد و درباره سنگ‌اندازی آنها برای ادامه فعالیت ارفک گفت: «در استان کهگیلویه و بویراحمد، کانکسی تهیه کردیم و به‌عنوان کلاس درس و مدرسه، آن را تجهیز و پستی از آن در اینستاگرام منتشر کردیم. سازمان نوسازی استان، از ما شکایت کرد و گفتند، چرا چنین وضعیتی از استان ارائه دادیم و آبروی نظام را بردیم.» به گفته او، زمانی که چنین حساسیتی در شهرستان‌ها وجود دارد در جایی مانند محله دروازه‌غار تهران، چندین برابر است.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۸ شماره موتور ۱۱۱۲۷۸۱۰۹۲۲ شماره شاسی ۰۰۷۸۴۱۴۱۰۰۰ شماره پلاک ۴۳ ایران ۴۸۴ م ۴۶ به نام حسین یعقوبی نجف آبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی

برگ سبز سند کمپانی و تسلسل اسناد محضری خودروی سواری پژو ۱۶۰۰ آر دی مدل ۱۳۸۰ شماره موتور ۲۲۳۲۸۰۱۲۰۹۶ شماره شاسی ۸۰۷۱۲۰۲۳ شماره پلاک ۲۳ ایران ۲۶۴ ه ۳۸ به نام روح الله زارع لارگانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.